



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: حقیقت شرعیه

تاریخ: ۲۴ آذر ۱۳۹۲

موضوع جزئی: مقام سوم: کیفیت وضع در باب حقیقت شرعیه (الوضع بالاستعمال)

مصادف با: ۱۲ صفر ۱۴۳۵

سال: پنجم

جلسه: ۴۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض شد در باب کیفیت وضع در حقیقت شرعیه آراء و انظار مختلفی وجود دارد، نظر مرحوم آخوند در این رابطه بیان شد. محصل نظر ایشان این شد که شارع الفاظ را برای معانی مورد نظر در محیط شرع به نحو وضع تعیینی به گونه‌ای که این وضع قولی باشد وضع نکرده یعنی این چنین نبوده که بگوید: «وضعتُ هذا اللفظ لهذا المعنی» لذا این نحوه وضع تعیینی محقق نشده چه اینکه اگر این نحوه از وضع محقق شده بود قطعاً همانند سایر افعال و گفتار پیامبر (ص) نقل می‌شد و اشتهاار پیدا می‌کرد و به ما می‌رسید.

آنچه که توسط شارع محقق شده وضع تعیینی به نحو فعلی است که شارع به سبب استعمال وضع را محقق ساخته؛ مثل پدری که بعد از تولد فرزند مثلاً بگوید: علی را بیاور ببینم که در این صورت به نفس استعمال وضع محقق می‌شود. همچنین عرض کردیم طبق نظر محقق خراسانی آنچه این استعمال را از استعمال مجازی جدا می‌کند قرینه‌ای است که در این مقام مورد استفاده قرار می‌گیرد، قرینه در اینجا با قرینه استعمال لفظ در معنای مجازی و غیر موضوع‌گه متفاوت است، در آنجا قرینه برای آن است که بفهماند معنای حقیقی اراده نشده اما اینجا قرینه برای اثبات آن است که وضع صورت می‌گیرد و لفظ به عنوان علامت و حکایت از معنی قرار داده می‌شود. در همان استعمال اول متکلم و واضع قرینه‌ای ذکر می‌کند و به آن اعتماد می‌کند که به مخاطب بفماند این استعمال محقق وضع است و از سنخ استعمال لفظ در معنی مثل سایر موارد استعمال نیست بلکه استعمال محقق وضع است و همچنین عرض کردیم به نظر محقق خراسانی این استعمال نه استعمال حقیقی است و نه استعمال مجازی بلکه یک استعمال صحیح است که دارای حُسن است مثل استعمال اللفظ فی اللفظ که لفظ استعمال شده و از آن نوع لفظ اراده شده است. البته با یک توجیهی می‌توان این استعمال را حقیقی دانسته ولی چه بسا آن توجیه محل اشکال باشد.

پس محصل نظر محقق خراسانی این است که حقیقت شرعیه در واقع به این کیفیت محقق می‌شود که شارع لفظ را در معنای شرعی استعمال می‌کند و به این استعمال وضع محقق می‌شود پس این وضع یک وضع تعیینی است اما نه وضع تعیینی قولی که بگوید: «وضعتُ هذا لهذا» بلکه وضع تعیینی فعلی است به این نحو که همین که شارع لفظ را در معنایی خاص استعمال می‌کند به این استعمال عملاً وضع را محقق می‌کند.

اشکال به محقق خراسانی:

این کلام محقق خراسانی محل اشکال واقع شده و این اشکال از ناحیه بزرگانی از شاگردان ایشان صورت گرفته است. اصل اشکال این است که اصلاً استعمال محقق وضع ثبوتاً محال است؛ چون مستلزم اجتماع لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد است و اجتماع لحاظین در شیء واحد محال است پس اساساً ما نمی‌توانیم ملتزم شویم به اینکه استعمال لفظ محقق وضع باشد و اصلاً وضع تعیینی به این کیفیت صحیح نیست.

این اشکال به دو نحوه تقریر شده است:

تقریر محقق نائینی:

ایشان می‌فرماید: امکان ندارد با استعمال، وضع محقق شود و ممکن نیست با اینکه یک لفظ در یک معنایی بکار برده شود علقه وضعیه بین لفظ و معنی ایجاد شود چون در استعمال آنچه تحقق پیدا می‌کند این است که لفظ در معنی بکار می‌رود ولی به آن به عنوان آلت و ابزار نگاه می‌شود و لحاظ متعلق به لفظ در استعمال، لحاظ آلی است؛ مثلاً پدری که می‌خواهد نام فرزندش را استعمال کند و غرض او وضع نیست، می‌گوید: حسن برو نان بخر، نگاه متکلم و مستعمل به لفظ و لحاظ او یک لحاظ آلی است یعنی لفظ را ابزار و وسیله برای انتقال مقصود خود به مخاطب قرار داده؛ به عبارت دیگر لفظ ما به يُنظر است یعنی چیزی است که به سبب او به معنی نگاه می‌شود پس لفظ در استعمال ملحوظ بالذات نیست بلکه به عنوان آلت و ابزار مورد لحاظ قرار گرفته است اما در مقام وضع، لفظ ملحوظ به لحاظ آلی و تبعی نیست بلکه واضع لفظ را به لحاظ استقلالی مورد لحاظ قرار می‌دهد چون می‌خواهد بین لفظ و معنی علقه لفظیه ایجاد کند؛ به عبارت دیگر در مقام وضع لفظ ما فیه يُنظر است یعنی چیزی است که به خودش نگاه می‌شود و خودش ملحوظ بالذات است.

پس در استعمال، لفظ ملحوظ به لحاظ آلی است نه استقلالی اما در وضع، لفظ ملحوظ به لحاظ استقلالی است و جمع بین این دو لحاظ در یک شیء یعنی لفظ واحد باطل است لذا اگر استعمال بخواهد محقق وضع باشد یعنی اینکه لفظ هم ملحوظ به لحاظ استقلالی باشد و هم ملحوظ به لحاظ آلی اجتماع دو لحاظ در شیء واحد لازم خواهد آمد که محال است.^۱

تقریر محقق اصفهانی:

ایشان اشکال اجتماع لحاظین را به نحو دیگری تقریر کرده، ایشان می‌فرماید: «الوضع جعل اللفظ بحیث یحکی عن المعنی»؛ وضع عبارت است از قرار دادن لفظ به گونه‌ای که حاکی از معنی باشد. بر این اساس آنچه در وضع مقصود و مورد لحاظ است استقلالاً عبارت است از حکایت و دلالت، واضع که لفظی را برای معنایی وضع می‌کند قصدش این است که از معنی حکایت کند و از وضع او دلالت لفظ بر معنی ایجاد شود پس حکایت و دلالت در وضع مقصود و ملحوظ به نحو استقلالی است و این حکایت هم حکایت شأنی است نه فعلی؛ چون وقتی واضع وضع می‌کند درست است که لفظ

۱. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۳۳-۳۴.

حاکمی از معنی قرار داده شده ولی منظور این نیست که این حکایت فعلی باشد چون اگر حکایت لفظ فعلی بود باید این حکایت همیشه وجود داشت لذا منظور حکایت شأنی است به این معنی که اگر مانعی وجود نداشته باشد لفظ حاکمی از معنی باشد، چه بسا مانعی از حکایت لفظ از معنی وجود داشته باشد که جلو حکایت را بگیرد. پس معلوم شد که مقصود و ملحوظ در وضع لفظ عبارت است از حکایت و دلالت لفظ بر معنی. بر این اساس حکایت و دلالت ملحوظ به نحو استقلالی می‌باشند اما در استعمال وقتی لفظی در معنایی استعمال می‌شود حکایت و دلالت ملحوظ و مقصود به نحو آلی است نه استقلالی و در استعمال ملحوظ استقلالی خود معناست یعنی آنچه مقصود بالذات است خود معناست بر خلاف وضع که نظر استقلالی به حکایت لفظ از معناست لذا اگر قرار باشد به نفس استعمال، وضع محقق شود یعنی بخواهیم با استعمال لفظ در معنی انشاء وضع کنیم مستلزم اجتماع دو لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد و در زمان واحد خواهد بود و این محال است.

تفاوت این دو تقریر:

عرض کردیم اصل اشکالی که به مرحوم آخوند ایراد شده اجتماع دو لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد و در زمان واحد است، پس هم در تقریر محقق نائینی و هم در تقریر محقق اصفهانی اشکال این است که اجتماع دو لحاظ در شیء واحد و در زمان واحد لازم می‌آید لکن فرق این دو تقریر در شیء واحد است که محقق نائینی آن شیء واحد را یک چیز و محقق اصفهانی آن شیء واحد را چیز دیگری می‌داند.

محقق اصفهانی می‌گوید لازمه سخن محقق خراسانی این است که اجتماع پیدا کند دو لحاظ در دلالت و حکایت واحد یعنی دلالت که مقصود است هم مقصود استقلالی باشد و هم مقصود آلی، چون دلالت و حکایت در وضع ملحوظ و مقصود استقلالی است لکن همین دلالت و حکایت در استعمال، ملحوظ به لحاظ آلی است، حال اگر قرار باشد وضع به نفس استعمال محقق شود معنایش این است که حکایت و دلالت هم ملحوظ به لحاظ آلی باشد و هم ملحوظ به لحاظ استقلالی، پس آن شیء واحد که دو لحاظ استقلالی و آلی در آن اجتماع کرده‌اند طبق نظر محقق اصفهانی دلالت و حکایت است و نمی‌شود حکایت و دلالت هم مقصود بالذات باشد و هم مقصود بالعرض.

اما طبق نظر محقق نائینی آن شیء واحد که دو لحاظ استقلالی و آلی در آن اجتماع کرده‌اند خود لفظ است، ایشان می‌گویند در وضع، لفظ لحاظ می‌شود اما به لحاظ استقلالی، چون در وضع خود لفظ مستقلاً مورد توجه است اما در استعمال، لفظ مورد لحاظ قرار می‌گیرد اما به لحاظ آلی، حال اگر قرار باشد استعمال، محقق وضع باشد معنایش این است که یک شیء یعنی لفظ واحد در زمان واحد هم ملحوظ به لحاظ آلی باشد و هم ملحوظ به لحاظ استقلالی.

پس تفاوت سخن محقق اصفهانی و نائینی در شیء واحد است که دو لحاظ آلی و استقلالی در آن اجتماع کرده‌اند، شیء واحد طبق نظر محقق نائینی خود لفظ است ولی طبق نظر محقق اصفهانی نفس حکایت و دلالت است.

بحث جلسه آینده: باید ببینیم آیا این اشکال (اجتماع دو لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد) به محقق خراسانی وارد است یا نه که اگر این اشکال وارد باشد نمی‌توان قائل به وضع بالاستعمال شد ولی اگر این اشکال دفع شود وضع بالاستعمال هم ممکن خواهد بود و هیچ محذور و مشکلی بر آن مترتب نخواهد شد. انشاء الله در جلسه آینده به بررسی این اشکالات خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»